

# کتابخانه ملی و جهانی شدن

• مهدی داوودی

کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

## چکیده

جهانی‌شدن تحولی درازمدت و هنوز به‌انجام نرسیده است که در خلال دهه ۱۹۷۰ و پس از آن شتاب گرفت. این روند را می‌توان از جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مکانی و... نگریست. رشد داد و ستد، خدمات و استیلای سرمایه‌داری مالی دو کانون این روند هستند. بازسازی سرمایه‌داری به تغییر نظام انباشت و آغاز دوره‌ای نوین انجامید. این دوره را پساوردیسم\* یا نوفوردیسم\*\* می‌نامند که به تقسیم کار جدیدی در سطح جهانی منجر شده است. به دلیل اهمیت روزافزون اطلاعات و خدمات در روند جهانی شدن، مراکز اطلاعاتی تحت تاثیر آن قرار گرفته‌اند. کتابخانه ملی در مقام حافظه ملی کشورها نیز به‌ناچار تحت تاثیر این روند قرار می‌گیرد. جهانی شدن هم پراکندگی و چندگانگی به‌بار می‌آورد و هم تمرکز و یکسان‌سازی. از ویژگی‌های این اثر بارز تعریف هر کتابخانه ملی از کارکرد خود می‌تواند باشد. کتابخانه ملی ایران نیز به‌دلیل مرکزیت خود، چه از نظر زبانی و چه از نظر پیشینه تمدنی در منطقه، می‌تواند نشانه بارزی از خود را تعریف کند.

**کلیدواژه‌ها:** جهانی شدن، سرمایه‌داری اطلاعاتی، خدمات، اطلاعات پساوردیسم، کتابخانه‌ها، کتابخانه ملی، کتابخانه ملی ایران، تمدن ایرانی، زبان فارسی، نشانه بارز

## مقدمه

دارند. از سوی دیگر، جهانی شدن خود دارای تعریف‌های بسیار زیاد از چشم‌اندازهای متفاوت است که این امر نیز بر مشکلات کار می‌افزاید. به‌هر حال، برای آغاز کار ناچار به ارائه تعریف‌ها و ویژگی‌های این دو پدیده به‌طور جداگانه‌ایم.

## جهانی شدن چیست؟

جهانی شدن تحولی درازمدت و هنوز به‌انجام نرسیده است که در خلال دهه ۱۹۷۰ و پس از آن شتاب گرفت. این اصطلاح صرفاً به بین‌المللی‌شدن روزافزون امور اشاره نمی‌کند، بلکه بیش از آن است. این پدیده نشانه افزایش وابستگی دوسویه و درهم‌آمیختن روابط انسانی به‌موازات یکپارچگی روزافزون حیات اجتماعی - اقتصادی جهان است. گرایشی در برداشت از جهانی شدن هست که آن را عمدتاً امری اقتصادی می‌داند که از طریق گره‌خوردن بازارها، پول‌ها و شرکت‌ها پدیدار می‌شود. این نظر صحیح است، اما جهانی شدن وضعی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز است که در آن، برای مثال، افزایش انفجار آمیز مهاجرت، فعالیت گردشگری، موسیقی‌های آمیخته و مسئله

این مقاله سر آن دارد تا آثار آن روندی را بر کتابخانه ملی (به‌طور کلی) بررسی کند که در چند دهه اخیر پدیدار شده، یا اوج گرفته، و آن را جهانی شدن می‌نامیم. از این رو، در این مقاله هر کجا به جهانی شدن اشاره می‌کنیم، منظور همین پدیده نوین است که ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاص خود را دارد.

دردسری که در این راه گریبان‌گیر نگارنده بوده است، خاصیت گمانه‌زنی و نظرپردازی (و نه نظریه‌پردازانه) این مقاله است. این ویژگی بی‌شک از سرشت خود کتابخانه ملی برمی‌خیزد که آن را حافظه ملی در کشورها تعریف کرده‌اند و کارکردهای خدماتی آن کم‌رنگ است. در نتیجه، مثلاً، قوانین گات<sup>۱</sup> (پیمان عمومی درباره بازرگانی خدمات) یا تریپز<sup>۲</sup> (ابعاد مرتبط با دادوستد حقوق مالکیت معنوی) را، که بر خدمات یعنی جنبه بارز اقتصادی جهانی شدن تأکید دارند، با کتابخانه‌های ملی نمی‌توان تطبیق داد، در حالی که برخی از بندهای آنها به‌طور ضمنی با خدمات کتابخانه‌ای هم پوشانی

تشدید یافته راهبردهای سیاسی جهانی برای مقابله با تهدیدها و مبارزه طلبی‌های رویارو با امریکا، آشکار است (وبستر ۱۳۸۲، ص ۲۴۵). شاید تعریفی ساده و موجز از جهانی شدن، همان باشد که بری اکسفورد<sup>۲</sup> به دست می‌دهد. وی معتقد است: «جهانی شدن فرآیندی است که جهان از طریق آن به مکانی واحد با خواصی فراگیر بدل می‌شود» (اکسفورد، ۲۰۰۰، ص ۲۴۸). برخی از صاحب نظران نیز که روند جهانی شدن را از دیدگاه قضایی و اقتصادی و به خصوص تأثیر آن را بر شهرها بررسی کرده‌اند، بر این اعتقادند که جهانی شدن فعالیت‌های اقتصادی، نوع جدیدی از ساختار سازمانی را به بار می‌آورد. این صاحب نظران پراکندگی جغرافیایی فعالیت‌های اقتصادی را وجه بارز جهانی شدن می‌دانند، در عین اینکه کارکردهای کانونی این فعالیت‌ها همچون مدیریت و نظارت را یکپارچه و تمرکز یافته ارزیابی می‌کنند (سازن، ۲۰۰۱). مانوئل کستلر بر این باور است که آنچه جهانی شدن را می‌سازد، فضای جریان‌هاست که در سه سطح عمل می‌کند:

۱. سطح زیرساختی که عمدتاً توانایی فناوری‌های الکترونیکی (میکروها، مخابرات، ماهواره و ...) است؛  
۲. روابط اجتماعی، که عمدتاً شامل کارهای روزمره در شرکت‌هاست؛

۳. فضاهای مخصوص و جدا شده نخبگان اقتصادی فوق ثروتمند فراملی که در حقیقت مدیریت جامعه را به دست دارند (کستلر ۱۳۸۰، ج ۱؛ و تیلر، ۲۰۰۸).

«کمیته برگزاری مجلس اعیان انگلستان درباره امور اقتصادی»<sup>۵</sup> نیز در گزارشی در سال ۲۰۰۲ بدین امر اشاره می‌کند که جهانی شدن هم جنبه اقتصادی و هم جنبه سیاسی دارد. جهانی شدن به مفهوم اقتصادی آن، با شتاب گرفتن جریان‌های بین‌المللی بازرگانی و سرمایه و اطلاعات ربط می‌یابد، در حالی که جنبه سیاسی دربرگیرنده اشاعه ضوابط و ارزش‌ها، گسترش دموکراسی و افزایش پیمان‌نامه‌های گوناگون است (ریکوفسکی، ۲۰۰۵، ص ۱۰). کارشورت<sup>۶</sup>، که در سال ۲۰۰۱ وزیر توسعه بین‌المللی بریتانیا بود، جهانی شدن را چنین تعریف می‌کند: «وابستگی و پیوند دوسویه رشدیافته جهان مدرن». این امر شامل آسان تر شدن جابه‌جایی کالا، خدمات، سرمایه، مردم و اطلاعات در میان مرزهای ملی گوناگون است (همان، ص ۱۱).

وبستر چهار ویژگی جهانی شدن تولید، بازار، امور مالی، و ارتباطات را برای جهانی شدن برمی‌شمرد (وبستر، ص ۲۴۷-۲۵۳). گلن ریکوفسکی<sup>۷</sup> چهار جنبه جهانی شدن را به این

شرح فهرست و تبیین می‌کند:

۱. جنبه فرهنگی، که آن را دارای دو رهیافت متضاد می‌داند؛ یکی که به تفاوت‌های فرهنگی بها می‌دهد و در پی بازشناسی آنهاست و دیگری که درصدد همگن کردن فرهنگ‌های متفاوت و قراردادن آنها درون قالب فرهنگی فراگیر و جهانی است؛

۲. ضعف و محو قدرت و اهمیت دولت‌های ملی در رویارویی با سرمایه جهانی؛

۳. گسترش پرشتاب سرمایه در سطح جهانی و کالاسازی از هر آنچه در پیرامون ماست؛

۴. این امر که کار، شکل اجتماعی ویژه‌ای به خود می‌گیرد: شکل ارزشی، خود ریکوفسکی در این باره می‌گوید: «شکل ارزشی کار، تولید ارزشی را در پی دارد که سود را می‌توان از ارزش مازاد تولید شده بیرون کشید. این امری کانونی در «جهانی شدن» است (ریکوفسکی، ص ۱۲-۱۴).

اما چنانکه گفتیم، جهانی شدن علاوه بر ویژگی افزایش تحرک و انعطاف پذیری، نوعی تمرکز را نیز به همراه دارد و آن تمرکز مدیریت و نظارت شرکت‌های فراملی و به خصوص نهادهای عظیم مالی و بازرگانی است. اگر دو هسته را برای اوضاع کنونی جهان بتوان برشمرد، کانونی شدن دادوستد خدمات و استیلا سرمایه مالی است. در میان این خدمات، پردازش و امنیت و اشاعه اطلاعات نقش مهمی دارد، به نحوی که کستلر آن را به اضافه خدماتی همچون حسابداری، بیمه و بانکداری به عنوان «خدمات تولیدگر»<sup>۸</sup> می‌نامد. از سوی دیگر، جهانی شدن ارتباطات، به قول وبستر، در پی خلق محیطی نمادین در سطح جهان است که مردم در آن محیط دارای تصویرهای ذهنی مشترک و حتی یکسان باشند. راما مورتی<sup>۹</sup> بر این باور است که بازار جهانی اطلاعات امری ناگزیر است و کتابخانه‌های محلی در آینده به هم‌آوردجویی با تولیدکنندگان جهانی اطلاعات ناگزیر خواهند بود. چنانکه هم اکنون سازمان‌هایی همچون او.سی. ال. سی<sup>۱۰</sup> آغاز به کار کرده‌اند. وی حتی تا آنجا پیش می‌رود که مبارزه طبقاتی کار - سرمایه را تحت الشعاع تضاد میان جریان‌های سرمایه و ارزش‌های فرهنگی تجربه‌های انسانی ارزیابی می‌کند. او سپس ویژگی‌های این بازار را جهانی برمی‌شمرد (راما مورتی ۲۰۰۴، ص ۷۴-۷۵ و ۸۲-۸۳). همه این تعاریفها و شرح و بسط‌ها را شاید بتوان در آنچه مشاهده کرد که ریکوفسکی فهرست می‌کند: شدت گرفتن بازرگانی بین‌المللی؛ افزایش اتکا به اینترنت و فناوری‌های اطلاعاتی؛ گسترش

**جهانی شدن علاوه بر ویژگی افزایش تحرک و انعطاف پذیری، نوعی تمرکز را نیز به همراه دارد و آن تمرکز مدیریت و نظارت شرکت‌های فراملی و به خصوص نهادهای عظیم مالی و بازرگانی است**

## تمدن مدرن همواره جهان‌شمولی را در پیش نظر داشته و این جهان‌شمولی دربرگیرنده مؤلفه‌های ریز و درشت این تمدن است

### کتابخانه ملی

دموکراسی؛ و رهیافتی جهانی برای ضوابط و ارزش‌ها. البته خود ریکوفسکی اشاره می‌کند که همه این عوامل مثبت هستند و ظاهراً بشارت خوبی برای توسعه جوامع معاصرند، اما از نظر او همه این امر چنین نیست. مثلاً از دیدگاهی، جهانی‌شدن را برابر با جریان آزاد اطلاعات می‌توان دید، اما در سطحی دیگر این خواست وجود دارد که اطلاعات را در چارچوب حقوق مالکیت معنوی جای دهد و بنابراین جریان آزاد را محدود کند (ریکوفسکی، ص ۱۱ - ۱۲). به هر حال، این جریان آزاد و حق مالکیت در بین کشورها و بسته به موقعیت آنها در روند جهانی‌شدن، دارای وضع برابری نیست. چنانکه ایالات متحده بر کشورهای دیگر فشار وارد می‌کند تا تعرفه گمرکی را از روی اطلاعات بردارند (ساسن، ص ۲۹).

«کتابخانه ملی»، در کتابداری مدرن، دربرگیرنده گستره کمابیش پهناوری از کتابخانه‌هایی است که هم در مسائل خود و هم به لحاظ ماهیت فعالیت‌های آنها با یکدیگر متفاوتند. دیدگاهی که بر کتابخانه ملی حاکم است آن را به منزله ذخیره آرشیوی انتشارات ملی یک کشور تلقی می‌کند و این کارکرد را بر دیگر کارکردها مقدم می‌داند.

شرکت‌کنندگان در کنفرانس، در سال ۱۹۷۰ چهار کارکرد بنیادی را برای کتابخانه ملی برشمردند. این کارکردها عبارتند از:

۱. فعالیت برای دستیابی به گسترش هماهنگ کتابخانه‌ها؛
۲. فعالیت برای نگهداری دائمی انتشارات کشور و گردآوری مواد چاپی مربوط به کشور در هر کجا که انتشار یابد؛
۳. انتشار کتاب‌شناسی ملی؛
۴. سازماندهی مبادله ملی و بین‌المللی انتشارات و اطلاعات (کنت، ص ۱۰۱).

اما نکته جالب آنکه دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای متفاوت و حتی متضاد درباره کتابخانه ملی و آینده آن وجود دارد که در همین منبع ذکر شده در بالا درباره آن بحث شده است. چنانکه به تاریخ کتابخانه ملی بنگریم، می‌بینیم جز چند کتابخانه معدود، روند اصلی برپایی این کتابخانه‌ها از اواخر قرن هجدهم و عمدتاً در قرن نوزدهم پا گرفته است، یعنی از آن زمان که بورژوازی قدرت سیاسی و اقتصادی خود را استحکام بخشید و دولت‌های ملی پدیدار شدند. در نتیجه کتابخانه ملی را می‌توان

نشانه اندیشه ملی‌گرایی و پاگرفتن و شکل‌گیری ملت‌ها در واحدهایی جغرافیایی به نام کشور دانست. اما از دیگر سو، باید به این نکته توجه داشت که سرمایه‌داری همواره در پی گسترش نظام اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی خود بوده و به نوعی به تمدنی جهانی فکر می‌کرده است. تمدن مدرن یا مدرنیته نمود این طرز اندیشه است که هر شکل ممکن، حتی با لشکرکشی و به‌زور، در پی جهان‌گستری بوده است. حاصل آنکه، تمدن مدرن همواره جهان‌شمولی را در پیش نظر داشته و این جهان‌شمولی دربرگیرنده مؤلفه‌های ریز و درشت این تمدن است. چنین است که ما شاهد آرزوهایی همچون کتاب‌شناسی جهانی در گذشته و برپایی سازمان‌هایی همچون او. سی. ال سی در زمان حاضریم. حتی کتابخانه‌ای مانند کتابخانه کنگره آمریکا، که هیچ‌گاه خود را کتابخانه ملی ایالات متحده نخوانده، آنچنان در پی گسترش مجموعه و خدمات خود است که اکنون واقعاً آن را نمی‌توان کتابخانه‌ای محدود در مرزهای ملی این کشور دانست. روند جهانی‌شدن، به طریق اولی، این نوع اندیشه را شدت و عمق بخشیده است. از سوی دیگر، چندین ویژگی که برای جهانی‌شدن برشمردیم، به‌اضافه روند رفع نظارت دولتی از بازارها و فعالیت‌های مالی و اقتصادی، که روبه‌فزونی است، کتابخانه ملی را تحت تأثیر قرار داده و احتمالاً آن را در آینده بیش از این متأثر خواهد کرد. در مقاله «کتابخانه‌های ملی» در دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی می‌خوانیم: «کتابخانه‌های ملی برای کاهش هزینه‌ها و کسب درآمد و با انتقال فعالیت‌ها به واحدهای اطلاع‌رسانی خصوصی، تحت فشار سیاسی و اقتصادی قرار گرفته‌اند». در جای دیگر می‌خوانیم: «اگرچه کتابخانه‌های ملی با دیگر انواع کتابخانه‌ها متفاوت هستند، اما آنها نیز از تأثیر بازار در امان نبوده‌اند... کتابخانه‌های ملی، چه به‌خاطر رواج اندیشه بازار آزاد و چه به‌سبب مشکلات اقتصادی، تحت فشار قرار گرفته‌اند تا به کسب درآمد بپردازند». و همچنین: «به‌نظر می‌رسد کتابخانه‌های ملی در آینده کمتر به گردآوری مجموعه بپردازند و نقش اصلی آنها هماهنگ‌کننده و ارائه خدمات به کتابخانه‌ها باشد» (لاین ۱۳۸۵، ص ۱۵۲۸ و ۱۵۳۱).

### بازسازی<sup>۱۱</sup> و تغییر نظام انباشت سرمایه‌داری

در اینجا ناچاریم به این موضوع، که ظاهراً به بحث ما ربطی ندارد، گریزی بزنیم تا در پرتو آن بتوانیم به نتایج یا گمانه‌زنی‌هایی برسیم. نظام سرمایه‌داری که حدود سه دهه

با الگوی فوردی - کینزی<sup>۱۲</sup> اداره می‌شد، پس از روبه‌رو شدن با رکودها و بحران‌های جدی در دهه ۱۹۷۰، که بی‌شک دو شوک نفتی سال‌های ۱۹۷۳ (جنگ اعراب و اسرائیل) و ۱۹۷۹ (انقلاب ایران) در آنها نقشی کانونی داشت، در پی بازسازی نظام انباشت سرمایه و دگرگونی‌های جدی در روش تولید و توزیع برآمد که آن را به‌اصطلاح بازسازی می‌خوانند. این بازسازی تا بدان حد اهمیت دارد که کستلز آن را مؤثرترین عامل تاریخی می‌داند که پارادایم اطلاعاتی را شتاب می‌بخشد و مسیر آن را تعیین و شکل‌های اجتماعی وابسته به آن را ایجاد می‌کند (کستلز، ص ۴۵). داستان از این قرار است که روش فوردیستی انباشت در حال تغییر است و آنچه جایگزین آن شده (پسافوردیسم یا نوفوردیسم) روند جهانی شدن را اداره می‌کند. این بازسازی به چند شیوه در حال انجام است که دو متغیر مهم آن بازسازی تولید و بازسازی امور مالی بوده است (کیل میستر، ۲۰۰۰). ویژگی‌های دوره فوردیستی - کینزی را می‌توان فهرست‌وار چنین برشمرد:

۱. تولید انبوه؛
  ۲. کارگر صنعتی به‌منزله گروه شغلی مسلط؛
  ۳. مصرف انبوه؛
  ۴. جایگاه مسلط دولت ملی در فعالیت‌های اقتصادی؛
  ۵. برنامه‌ریزی که نمود بارز آن پیدایش و رشد دولت رفاه<sup>۱۳</sup> بود (وبستر، ص ۲۴۰-۲۴۵).
- اما نظام انباشت نوین با چنین تحولاتی شکل گرفت:
۱. تضعیف طبقه کارگر سازمان‌یافته و انبوه‌شده؛
  ۲. چندپارگی عمودی شرکت‌های فراملی که به تقسیم کار در سراسر جهان انجامید؛
  ۳. تقویت و افزایش نقش شبکه‌های اطلاعاتی؛
  ۴. و شاید از همه مهم‌تر، انعطاف‌پذیری در کار، تولید، مصرف و حتی کارگران (وبستر، ص ۲۵۶-۲۶۶).
- اما این تحولات چه ربطی به موضوع ما دارد؟ چنانکه چهارمین و پنجمین ویژگی این نظام به‌اصطلاح پسافوردیستی را، در کنار دیگر خصوصیات روند جهانی‌شدن، باز از نظر بگذرانیم، به این نتیجه می‌توانیم دست یابیم که وضع جهان از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در حال حاضر، و فعلاً بدون پیشگویی، حتی با سه، چهار دهه پیش نیز به کلی متفاوت است. فرآیندی از چندگانه‌گرایی به همراه تمرکز و یکدست‌سازی، پاره‌پاره‌شدن برخی از کشورها به‌همراه از نو زنده‌شدن ملی‌گرایی، نقش پررنگ و روبه‌فزونی برخی از شهرهای مهم (جهانشهرها<sup>۱۴</sup>) در مدیریت اقتصاد

جهانی، ادامه روند تخصصی‌شدن در کنار اهمیت روزافزون حوزه‌های میان‌رشته‌ای، ضعف حاکمیت‌های ملی در سلطه کامل بر واحدهایی به نام کشور، تقسیم کار جدیدی که شرکت‌های فراملی بر کشورها تحمیل کرده‌اند، سلطه بیش از پیش بازار و عملیات سوداگرانه مالی و ... همه و همه دست به دست هم داده‌اند تا این وضع متفاوت را شکل دهند. پیش از این، در بخش مربوط به کتابخانه ملی و در نقل قولی کمابیش بلند، از دگرگونی‌های فعلی و احتمالی در موقعیت کتابخانه ملی سخن گفتیم. کتابخانه ملی، به‌منزله زاده جهان مدرن و پاره‌ای فرهنگی از تمدن مدرن، به‌ناگزیر از این همه دگرگونی‌گریز ندارد و از چند دهه پیش نشانه‌های آن را شاهدیم. کتابخانه‌های ملی تخصصی (مانند کتابخانه ملی پزشکی) از نمونه‌های این تأثیرگذاری و اثرپذیری است. حال این پرسش را می‌توان مطرح کرد که آیا در این وضعیت برای کتابخانه‌های ملی هر کشور وظیفه‌ای خاص تعیین نخواهد شد؟ آیا شرکت‌های بزرگ اطلاعاتی و مالی فراملی، بسته به موقعیت، به تشکیل کتابخانه‌هایی ملی یا منطقه‌ای در حوزه‌های فعالیت خود اقدام خواهند کرد؟ کتابخانه‌های ملی کشورهای بزرگ بسیار توسعه‌یافته، با دیدگاه جهان‌شمول خود، آیا برای جایگزینی کتابخانه‌های ملی کشورهای ضعیف‌تر و در حال توسعه تلاش خواهند کرد؟ کتابخانه‌های ملی خود چگونه می‌توانند به‌شکل فعالی به پیشواز این دگرگونی‌ها و احتمال‌ها بروند؟

حال، این پرسش مهم پیش روی ما قرار می‌گیرد که کتابخانه ملی ایران در این میان چه باید بکند؟ در اینکه دیر یا زود ما هم به این دگرگونی‌های جهانی خواهیم پیوست و به‌اصطلاح وارد شبکه جهانی خواهیم شد، شک و تردید، و حتی مخالفت، اندکی وجود دارد. هم اکنون در سطح کارشناسی و آکادمیک جامعه این بحث کمابیش در جریان است. پس شایسته، آن است که از هم اکنون تمهیدات و شناخت کافی را در نزد خود فراهم آوریم. با نگاهی به پیشینه فرهنگی و تمدنی خود، موقعیت منطقه‌ای ایران را می‌توانیم درک کنیم، چه از دیدگاه فرهنگ و تمدن اسلامی چه از حوزه زبانی یا حوزه تمدنی چندهزارساله. از این رو، سیاست‌گذاران فرهنگی و مسئولان کتابخانه ملی کشور می‌توانند با دیدگاهی منطقه‌ای، سیاست‌های آتی کتابخانه ملی را باز تعریف کنند و در این همگرایی منطقه‌ای وظایف دیگری را از کتابخانه‌های ملی کشورهای دیگر حوزه مشترک فعالیت، بنا به پیشنهاد و موافقت، درخواست کنند. در حوزه بازرگانی و نیز حوزه مطالعات

## کتابخانه ملی، به‌منزله زاده جهان مدرن و پاره‌ای فرهنگی از تمدن مدرن، به‌ناگزیر از این همه دگرگونی‌گریز ندارد

**جهانی شدن تحولی  
دراز مدت و هنوز  
به انجام نرسیده است  
که در خلال دهه ۱۹۷۰  
و پس از آن شتاب  
گرفت. این اصطلاح  
صرفاً به بین‌المللی شدن  
روزافزون امور اشاره  
نمی‌کند، بلکه بیش از آن  
است**

پی‌نوشت‌ها:

شهرسازی لفظی به نام نشانه بارز<sup>۱۵</sup> (که در بازرگانی به آن علامت تجاری می‌گویند) وجود دارد که وجه بازرزی را برای کالا یا شهر تعریف می‌کند. این امر درباره کتابخانه ملی نیز می‌تواند صادق باشد. چنانچه بتوانیم نشانه بازرزی برای کتابخانه ملی ایران در نظر بگیریم و آن را اعلام و عملی کنیم - و از همین امروز هم باید این کار را بکنیم - به این همگرایی منطقه‌ای و همکاری جهانی احتمالاً بهتر دست خواهیم یافت. مثلاً اعلام کنیم که آنچه مواد اطلاعاتی در زمینه زبان فارسی است، در کتابخانه ملی ایران گردآوری خواهد شد و حوزه تخصصی کتابخانه ملی را، مثلاً، در همین زمینه تعیین کنیم. این کاری است که عربستان با ایجاد مرکز جهانی نسخه‌های خطی جهان اسلام بدان دست‌زده و بنابر اطلاعات موجود، در این کار به پیشرفت‌هایی هم دست یافته است. به هر حال تا دیر نشده و برای ما تصمیم نگرفته‌اند و کتابخانه ملی کشور را به ضعف و حتی اضمحلال نکشاندند. خود با اتخاذ سیاست‌های عملی و اجرای هرچه زودتر آنها به این فرآیند دگرگونی بیبندیم. فردا حتماً دیر است.

\* . post-fordism  
\*\* . Neo-fordism

1. General Agreement on Trade in Services (GATS)
2. Trade – Related Aspects of Intellectual Property Rights (TRIPS)
3. Barrie Axford
4. Space of flows
5. House of Lords Select Committee on Economic Affairs
6. Clare Short
7. Glenn Rikowsky
8. Producer Services
9. Ramamurthy
10. OCLC
11. Restructuring
۱۲. منتسب به جان مینارد کینز اقتصاددان معروف انگلیسی.
13. Welfare state
14. Global city
15. Brand

**مآخذ**

۱. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، ج ۱: ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: طرح نو.
۲. لاین، موریس ب (۱۳۸۵). «کتابخانه‌های ملی»، *دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ج ۲، ترجمه: اشرف‌السادات بزرگی، سرویراستار ابراهیم افشار زنجانی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۵۲۵ - ۱۵۳۱.
۳. وبستر، فرانک (۱۳۸۲). *نظریه‌های جامعه اطلاعاتی*، ترجمه: مهدی داوودی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

4. Axford, Barrie (2000). "Globalization", in Browning, Gray; Halcli, Abigail; Webster, Frank [ed.] *Understanding Contemporary Society*. London: SAGE Pub., p.238 – 251.
5. Kilmister, Andrew (2000). "Restructuring", in Browning, Gary; Halcli, Abigail; Webster, Frank [ed.] *Understanding Contemporary Society*. London: SAGE Pub., p.252 – 266.
6. Ramamurthy, C. R (2004). *Globalization and library information networking*. Delhi: Author Press.
7. Rikowski, Ruth (2005). *Globalization information and libraries: The implications of world Trade Organization's GAT and TRIPS agreements*. Oxford: Chandos Pub.
8. Sassen, Saskia (2001). *The Global City: New York, London, Tokyo*. [2nd ed.] New Jersey, Oxford: Princeton University Press.
9. Tyulina, natalia (1976). "National Libraries", translated from Russian by Rosalind Kent, *Encyclopedia of Library and Information Science*, Executive editors Allen Kent, Harold Lancour, Jay E. Daily, New York: Marcel Dekker, vol. 19, pp. 94113-.